

ریشه‌های عقب ماندگی از منظر لیبرالیسم

بهمن فرقانی

www.ketab.ir

انتشارات سرایی



سرشناسه: فرقانی، بهمن، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور: ریشه‌های عقب‌ماندگی از منظر لیبرالیسم / بهمن فرقانی.
مشخصات نشر: تهران، سرایی، ۱۴۰۰ ش.
مشخصات ظاهری: ۴۱۶ ص / شابک: ۶-۲۱-۸۹۲۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: کتابنامه: ص [۳۹۳] - ۳۹۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: نمایه.
موضوع: عقب‌ماندگی اجتماعی / People with social disabilities
موضوع: آزادیخواهی / Liberalism
رده‌بندی کنگره: HM۲۹۱
رده‌بندی دیویی: ۵۴۲ / ۳۰۲
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۸۱۸۶۰

www.ketab.ir

انتشارات سرایی



ریشه‌های عقب‌ماندگی از منظر لیبرالیسم

نویسنده: بهمن فرقانی
چاپ اول: ۱۴۰۰ ش. / ۱۴۴۲ ق. / ۲۰۲۱ م.
شابک: ۶-۲۱-۸۹۲۲-۶۰۰-۹۷۸
امور فنی: حسام‌الدین مرودشتی
صفحه‌آرا: محسن شریفی
شمارگان: ۵۰۰ جلد
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
تلفن: ۲۲۵۶۳۴۵۸ (۰۲۱)
همراه: ۹۹۰۳۷۱۲۰۱۸ (+۹۸)

ایمیل: SaraeiPublication@gmail.com

کلیه حقوق چاپ و نشر، محفوظ و مخصوص ناشر است
و هرگونه کپی‌برداری بدون اجازه‌ی ناشر پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۱
مقدمه.....	۱۷
پیشینه و روش.....	۲۷
فصل اول: نظریه درماندگی.....	۳۷
۱. درماندگی عامل عقب ماندگی.....	۳۷
۱- ۱. عوامل موجد درماندگی.....	۳۸
۱- ۲. تاثیر نهادها بر درماندگی.....	۴۹
۱- ۳. توزیع رفتارهای خوب و بد.....	۵۵
۲. گذار از عقب ماندگی.....	۶۰
۳. مدل درماندگی.....	۶۵
فصل دوم: عوامل معرفتی.....	۶۹
مقدمه.....	۶۹
۱. مابعدالطبیعه.....	۷۰
۲. باور جزمی.....	۸۵
۳. تاریخیگری.....	۹۱
۴. سرکوب غرایز.....	۱۰۰

۵. جامعه توده‌ای.....	۱۰۶
۶. تمایز هویت فردی و جمعی.....	۱۱۱
۷. تبیین هویت.....	۱۱۳
۸. پیامدهای جامعه بزرگ.....	۱۱۷
فصل سوم: نیروی موثر.....	۱۱۹
۱. مرحله قدرت‌مداری.....	۱۲۱
۲. مرحله سرمایه‌مداری.....	۱۲۲
۳. مرحله دانش‌مداری.....	۱۲۴
فصل چهارم: توسعه مددکارانه.....	۱۲۹
۱. تعریف توسعه مددکارانه.....	۱۲۹
۲. روش برنامه‌ریزی مددکارانه.....	۱۳۰
۳. سازمان اجرایی.....	۱۳۱
۳ - ۱. مطالعه.....	۱۳۲
۳ - ۲. اجرا.....	۱۳۲
۱. وظایف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.....	۱۳۳
۲. وظیفه اتحادیه پیمان‌کاران فرعی.....	۱۳۴
۳. وظیفه صندوق ضمانت از سرمایه‌گذاری.....	۱۳۴
۴. وظیفه مشاوران.....	۱۳۵
فصل پنجم: راهی به تساهل.....	۱۳۷
مقدمه.....	۱۳۷
۱. اخلاق و زندگی.....	۱۳۸
۱ - ۱. تجربه زیستن.....	۱۴۰

۱۴۱	۱-۱-۱. اخلاق
۱۴۲	۱-۱-۲. طریق خشونت‌ورزی
۱۴۵	۲. راهی به تساهل
۱۴۵	۲-۱. حوزه اندیشه
۱۴۷	۲-۲. حوزه اخلاق
۱۴۸	۲-۳. نظم اجتماعی
۱۵۵	۳. معیار ارزیابی رفتار
۱۵۹	فصل ششم: بنیادهای توسعه
۱۵۹	مقدمه
۱۶۱	۱. اثربخشی / فرهنگ و عقاید
۱۷۵	۲. کارایی / قانون و عدالت
۱۹۵	فصل هفتم: منشأ قانون
۱۹۵	مقدمه
۱۹۷	۱. نظریه کش تفاهمی
۲۰۱	۲. نارسایی‌های نظریه
۲۰۱	۲-۱. روش‌شناختی
۲۰۵	۲-۲. منشأ قانون
۲۰۸	۲-۳. بنیاد ارزش‌ها
۲۰۹	۲-۳-۱. اخلاق جمعی
۲۱۳	فصل هشتم: توسعه سیاسی و اقتصادی
۲۱۳	مقدمه
۲۱۴	۱. توسعه سیاسی

۸ < ریشه‌های عقب‌ماندگی از منظر لیبرالیسم

.....	گذارهای غیردموکراتیک	۲۱۷
.....	گذارهای دموکراتیک	۲۱۷
.....	۲. توسعه اقتصادی	۲۱۹
.....	۳. تقابل عرصه سیاسی و اقتصادی در نظام سرمایه‌داری	۲۲۴
.....	فصل نهم: نحله‌های عقلانیت	۲۲۹
.....	مقدمه	۲۲۹
.....	۱. تعریف مختصات	۲۳۱
.....	۲. عقلانیت صنع‌گرا	۲۳۲
.....	۳. عقلانیت تطوری	۲۳۳
.....	۴. بستر عینی تطور	۲۳۵
.....	۵. انسان خودشکوفا	۲۳۸
.....	فصل دهم: حصر عشق	۲۴۳
.....	مقدمه	۲۴۳
.....	۱. معنای عشق	۲۴۴
.....	۲. حصر عشق	۲۴۵
.....	۲ - ۱. تمامیت‌خواه	۲۴۶
.....	۲ - ۲. آزادی‌خواهی	۲۴۷
.....	۲ - ۳. استرس ناکامی	۲۵۵
.....	فصل یازدهم: آزادی، سوسیالیسم یا دموکراسی	۲۶۱
.....	مقدمه	۲۶۱
.....	آزادی	۲۶۲
.....	سوسیالیسم	۲۶۵

۲۶۸.....	دموکراسی اکثریتی.....
۲۷۵.....	فصل دوازدهم: جماعت‌گرایی.....
۲۷۵.....	مقدمه.....
۲۷۶.....	مفهوم جماعت.....
۲۷۸.....	جماعت‌گرایی.....
۲۷۸.....	۱. جماعت‌گرایی انتزاعی.....
۲۸۱.....	۲. جماعت‌گرایی سوسیالیستی.....
۲۸۵.....	۲ - ۱. جماعت به مثابه طبقه.....
۲۹۹.....	۳. جماعت‌گرایی فرد محور.....
۳۰۰.....	۳ - ۱. ایدئولوژی جماعت‌گرا.....
۳۰۱.....	۳ - ۱ - ۱. جماعت‌گرایی آرمانی.....
۳۰۳.....	۳ - ۱ - ۱. جماعت‌گرایی انتزاعی.....
۳۰۷.....	فصل سیزدهم: شخصیت کمال‌یافته.....
۳۰۷.....	مقدمه.....
۳۰۸.....	۱. ماهیت شخصیت.....
۳۱۲.....	۲. ساختار شخصیت.....
۳۱۴.....	۳. منشأ شخصیت.....
۳۲۳.....	فصل چهاردهم.....
۳۲۳.....	ارکان عدالت.....
۳۲۳.....	مقدمه.....
۳۲۴.....	۱. معنای عدالت.....
۳۲۷.....	۲. ارکان عدالت.....

۳۲۸	۱ - آزادی
۳۲۹	۲ - قانون
۳۳۱	۳ - نظم اجتماعی
۳۳۳	۴ - رقابت و کارایی
۳۳۷	فصل پانزدهم: قواعد و ارزش‌ها
۳۳۷	مقدمه
۳۳۸	۱. روش شناسی
۳۵۱	۲. اخلاقیات خوب
۳۵۴	۳. قواعد و ارزش‌ها (عقاید)
۳۵۸	۴. کارایی، معیار ارزیابی عقاید
۳۵۹	۴ - ۱. قانون اعداد بزرگ
۳۶۲	۵. رستگاری
۳۶۸	۵ - ۱. طریقت رستگاری
۳۷۳	فصل شانزدهم: کلام آخر و نفی بی‌تفاوتی ارزشی
۳۷۳	مقدمه
۳۷۶	۱. قواعد عام توسعه
۳۷۹	۲. توسعه انسانی
۳۸۰	۲ - ۱. تولید بیش از نیاز
۳۸۰	۲ - ۲. قواعد انسانی
۳۸۱	۲ - ۳. اخلاق، قانون و عدالت
۳۸۳	۲ - ۴. عقاید و ارزش‌ها
۳۹۳	فهرست‌ها

پیشگفتار

عقب‌ماندگی وصف جامعه‌ای است که مردمانش با دردها، رنج‌ها و محدودیت‌های بسیاری دست به گریبان هستند؛ اما در مقابل، جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که افراد آن سرزمین از شادی و رفاه برخوردار می‌باشند.

مهم‌ترین اصل در نظریه توسعه آن است که روشن نماید اولاً کدام عامل مبین ریشه عقب‌ماندگی است و دوماً چگونه می‌توان به توسعه دست یافت؟ در پاسخ به این سؤال بسیاری بر عوامل سیاسی و فرهنگی تاکید نموده‌اند و در میان عوامل فرهنگی، بر نقش آموزش جهت گذار از عقب‌ماندگی بیشتر تاکید داشته‌اند. هرچند نقش آموزش جهت گذار از عقب‌ماندگی موثر است؛ اما باید اذعان نمود که چنین نقشی نمی‌تواند عامل تعیین کننده باشد.

آموزش به هر میزان که بیشتر باشد، شرایط برای توسعه یافتن مطلوب‌تر می‌شود؛ اما برای توسعه یافتن، آن میزان از آگاهی کفایت می‌نماید که بتواند رقابت را در جامعه تضمین نماید. شرایطی که می‌تواند رقابت را تضمین نماید، برخورداری از انضباط اجتماعی است که دست یابی به نتیجه کار و تلاش را برای

هرکس فراهم می‌نماید. چنین انطباطی زمانی ایجاد می‌شود که امکان اعمال خشونت و تبعیض اشکار از سوی طبقه حاکم از بین رفته باشد.

کاهش خشونت به تعبیر داگلاس نورث زمانی صورت می‌پذیرد که امکان مبادله رانت (امتیاز) بین حکمرانان و اقشار اجتماعی فراهم شده باشد. آن‌گاه با توجه به کاهش شدت خشونت و برقراری انطباط نسبی در جامعه، رقابت امکان‌پذیر می‌شود و به صورت خودانگیخته ظرفیت نهادی در جامعه گسترش یافته و آموزش به خودی خود به سطح مطلوب ارتقا خواهد یافت.

در نهایی‌ترین تحلیل، جامعه عقب‌مانده، جامعه‌ای در مانده می‌باشد. در ماندگی نیز محصول خشونت و بی‌نظمی است. هر چند عقب‌ماندگی از طریق در ماندگی آموخته شده باز تولید می‌شود؛ اما شکل‌گیری و استمرار در ماندگی بطور سیستماتیک به دلیل بی‌نظمی و خشونت تکرار می‌شود و به مرور به یک آموزه فرهنگی مبدل می‌شود. منظور از در ماندگی آموخته شده، وضعیت آزار دهنده‌ای است که مانع از دست‌یابی به نتیجه مورد انتظار شده و در اثر تکرار، این تصور را در فرد ایجاد می‌نماید که هر نوع کار و تلاش برای رسیدن به نتیجه بیهوده می‌باشد.

توسعه بیش از هر چیزی نیازمند وجود حداقلی از فضای رقابتی است که امکان پی‌گیری اهداف فردی را برای انسان‌های پرسشگر، مسئولیت‌پذیر و کارآفرین فراهم می‌نماید. نقطه عزیمت توسعه یافتن هنگامی است که به هر دلیلی از شدت خشونت، بی‌نظمی و استثمار در جامعه کاسته و به صورت نسبی، امکان رقابت در چارچوب نظم و قواعد بی‌طرف و تعمیم‌پذیر (انتزاعی) فراهم می‌شود. نظم و رقابت‌پذیری می‌تواند به دلیل درایت و یا ناچاری

زامداران به وجود آید و یا تحقق آن برای دوران طولانی به تعویق افتد. به بیان دیگر نمی‌توان قطعیتی برای آغاز توسعه یافتگی متصور شد زیرا فرآیندی که منجر به توسعه یافتن می‌شود، آغاز آن همواره یک امر تصادفی است.

بنابراین برای توسعه یافتن وجود حداقلی از شرایط لازم به منظور رقابت‌پذیر نمودن فعالیت‌ها در بین افراد یک جامعه ضروری می‌باشد. آن‌گاه به دلیل وجود شرایط رقابتی، ظرفیت‌های نهادی، علمی و فنی جامعه گسترش یافته و توسعه یافتگی متحقق می‌شود. رقابت نیازمند نظم و امنیت می‌باشد. بی‌نظمی و حکمرانی دلبخواهانه مانع اصلی توسعه یافتگی است. زیرا بی‌نظمی امکان پیش‌بینی و دست‌یابی به دستاوردهای قابل انتظار را از بین برده و باعث درماندگی فرد می‌شود.

نگارش این کتاب از این رو ضرورت یافته است که برای اولین بار، حداقل در ادبیات توسعه ایران، از «نظریه درماندگی» جهت تبیین عارضه عقب‌ماندگی استفاده شده است. صورت‌بندی عارضه عقب‌ماندگی و پدید آمدن توسعه یافتگی نیز به روش «فردگرایی روش‌شناختی» انجام شده است که این رویکرد نیز در ادبیات موضوع مورد بحث، کم‌تکرار می‌باشد. تاکنون وجه غالب در نوشتارهای مربوط به موضوع عقب‌ماندگی و توسعه یافتگی، رعایت تبیین علمی به معنای متعارف علوم تجربی بوده است؛ اما در این نوشتار علاوه بر منطق تجربی، سعی شده است از رویکرد معناگرایانه نیز در تبیین و تحلیل امر عقب‌ماندگی و توسعه یافتگی استفاده شود. رویکردی که به سؤالات اساسی در خصوص رابطه بین رفاه و مدنیت با معنای زندگی می‌پردازد.

در فرآیند گذار به سوی توسعه یافتن، قبل از هر چیز باید به این سؤال پاسخ

گفت که توسعه را برای چه منظوری و به چه طریقی می‌خواهیم؟ همان‌گونه که گفته شد توسعه؛ امنیت، رفاه و شادی می‌آفریند. مولفه‌هایی که هر یک به خودی خود مطلوب می‌باشند؛ اما سؤال مهم‌تر این است که آیا چیزی مهم‌تر از رفاه و شادی وجود دارد؟ آیا شادی و لذت‌طلبی می‌تواند قواعدی را به دست دهد که بر مبنای آن همواره بتوان گفت رفتارهایی که متناظر با آن است درست می‌باشند؟ شادی و رفاه هرچند محصول توسعه یافتگی است اما سامان دادن به نظم اجتماعی بر اساس منفعت‌طلبی، خود شکن می‌باشد و ما را به اهداف مورد نظر نمی‌رساند. تنها قاعده‌ای که می‌توان بر مبنای آن، نظم اجتماعی پایدار ایجاد نمود و همواره نیز رفتار حاصل از آن را درست پنداشت، به تعبیر فردوسی کبیر نیکی کردن و ازار نرساندن به دیگران است. یعنی همان قاعده‌ای که به بهترین شکل توسط کانت در قالب قانون طلایی صورت‌بندی شده است. بنابراین نیکی کرن معیاری است که بر مبنای آن هر رفتاری را می‌توان آزمون نمود.

با وجود آنکه قواعد انتزاعی حاکم بر نظم اجتماعی از پیچیدگی‌های غیر قابل وصفی برخوردار بوده و می‌توانند تاثیری تعیین کننده بر رفتار افراد جامعه داشته باشند؛ اما همچنان باید رفتار فرد را مبنای هر تحول اجتماعی قلمداد نمود. به همین دلیل عوامل محیطی اعم از ساختارها و نهادها، صرفاً می‌توانند نقش زمینه‌ای جهت عارضه عقب‌ماندگی ایفا نمایند.

علاوه بر اهمیت نظم و برخورداری از معیاری که درستی یک رفتار را تعیین نماید، سؤال مهم‌تر این است که ماهیت قواعد حاکم بر نظم اجتماعی چگونه است؟ آیا می‌توان برای هدایت جامعه بر اساس آموزه‌های اخلاقی (فردی و یا جمعی)، قواعد و نهادهای اجتماعی را به صورت دلبخواهانه و اراده‌گرایانه سامان بخشید؟